

عنوان مقاله:

برون رفت حکمت متعالیه از چالش تبیین فلسفی احیای موتی

محل انتشار:

فصلنامه حکمت اسلامی، دوره 4، شماره 15 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

معصومه سادات سالک - دکترای فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه باقرالعلوم ۷

خلاصه مقاله:

از دیدگاه حکمت متعالیه، تناسخ به معنای انتقال روح به بدن دیگر، محال است. از طرفی، به نظر می رسد در احیای موتی نوعی انتقال روح به بدن مادی مطرح باشد. این احتمال در ابدانی که قبلا متلاشی شده و استخوانهای آنها نیز پوسیده است، با قوت بیشتری مطرح است؛ زیرا بدن بازسازیشده در حیات دوباره این افراد، متفاوت از بدن حیات قبلی آنهاست و با تعلق گرفتن روح به این ابدان، ظاهرا تعریف خاص ملاحظرا از تناسخ، مصداق خارجی می یابد. این امر در فضای حکمت متعالیه که موکدا بر ابطال تناسخ پافشاری می شود، موقعیت مطلوبی ندارد؛ بهخصوص که ملاحظرا برای ابطال تناسخ از مبانی فلسفی و علمالنفسی خود بهره میبرد و با تبیین خاص خود از رابطه نفس و بدن، راه را بر امکان تناسخ می بندد. در صورتی که تناسخ با تعریف یادشده حتی در یک مورد مصداق عینی یابد، مبانی حکمت متعالیه در بحث تناسخ با چالش جدی مواجه می شود. تحقیق حاضر با این پیشفرض که شخصیتی مانند ملاحظرا به اشکال اطلاق تناسخ بر احیای موتی توجه داشته است، می کوشد با طرح احتمالات مختلف، تبیینی منطبق با دیدگاه صدرایی از فرایند یادشده ارائه دهد. حیث فاعلی نفس و مشارکت نفس در جمعآوری و ایجاد اجزای بدن می تواند به عنوان یکی از راهکارهای بحث احیای موتی مطرح باشد؛ این تبیین با برخی مبانی و دیدگاه های ملاحظرا، بهویژه اصالت وجود، وحدت جمعی نفس و نقش ایجادی نفس در بحث معاد جسمانی پشتیبانی می شود.

کلمات کلیدی:

احیای موتی، زنده شدن مردگان، ملاحظرا، رجعت، تناسخ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1981463>

